

داستان تنبورنوازی علی اکبر مرادی از یک روزپاییزی آغاز می‌شود، ۶ سالش بود و آن روز به اتفاق خانواده به دین اقوام مادر می‌روند ودر مسیر بازگشت به خانه بارانی سخت، راه آنها را به روستایی دیگر می‌کشاند که در آنجایک نوازنده تنبور زندگی می‌کرد و خرید این ساز توسط پدر و تشویق پدربزرگ برای آموختن آن، شروع داستان دلیسنگی اوبه این سازاست تا آنجا که با گذشت ۵۷ سال تلاش در عرصه موسیقی و تنبورنوازی همچنان خود را سرباز این ساز می‌داند و هر آنچه او را از تنبور و موسیقی دور کند دچار احساس گناه می‌شود و به گفته خودش «اگر آن روز آن باران نمی‌بارید شاید هرگز تنبور به دست من نمی‌رسید و مسیر دیگری را انتخاب می‌کردم...» علی اکبر مرادی سال ۱۳۳۶در روستای بان‌زلان در شهرستان دالاهو متولد شد، معلم، مقام دان، مقام خوان، آهنگساز، خواننده کرد و نوازنده صاحب سبک تنبور. فعالیت حرفه‌ای او در تنبورنوازی به دوران کودکی اش برمی‌گردد و تا سن ۳۰ سالگی نواختن تمامی ۷۲مقام موسیقی مقامی کردستان را با تنبور آموخت و طی سال‌ها تلاش در این عرصه علاوه بر تولید آثار بسیار در این زمینه و اجرای کنسرت‌های مختلف در داخل و خارج از ایران با همراهی شهرام ناظری و کیهان کلهر و...داشته و موفق به دریافت جوایز ارزنده‌ای از جشنواره‌های مختلف دنیا هم شده است. استاد مرادی در دوران کرونا مشغول تهیه دو اثر بود که شامل یک آلبوم موسیقی است که بزودی منتشر می‌شود و نوشتن کتابی از شرح حال زندگی اش که در مرحله دریافت مجوز است. فعالیت‌های او در این دوران انگیزه‌ای شد تا سریع این هنرمند نام آشنا و تنبور نواز برجسته ایران برویم و گفت و گو کنیم که در ادامه می‌خوانید:

علی اکبر مرادی آهنگساز و نوازنده صاحب سبک تنبور در گفت‌وگو با «ایران» از دو اثر جدیدش می‌گوید

اگر آن روز آن باران نمی‌بارید شاید هرگز تنبور به دست من نمی‌رسید...

■ بیش از یک سال از شیوع کرونا ونیمه تعطیل شدن حوزه فرهنگ و هنر می‌گذرد، این مدت زمان فرصتی شد تا اغلب هنرمندان موسیقی وقت بیشتری برای تهیه و تولید آثار خود داشته باشند. شما در این برهه زمانی به چه فعالیت‌هایی مشغول بودید؟

تقریباً قبل از سال ۲۰۲۰ این بیماری در دنیا شیوع پیدا کرد و از آن زمان به بعد تمامی فعالیت‌های هنری مانند اجرای کنسرت و برگزاری کلاس‌های آموزشی تعطیل شد و تنها راه ارتباطی هنرمندان با مردم از طریق فضاهای مجازی و برگزاری کنسرت‌های آنلاین بود و در واقع فضای دیگری دردنیا شکل گرفت. من نیز مانند دیگران اوقات خود را در فضای قرظبنده‌ای و به دور از مردم به سر بردم و تمرکز من روی تهیه یک آلبوم موسیقی و دیگری نوشتن کتابی از شرح حال زندگی‌ام بود.

این آلبوم به زبان کردی «بانگ به بیان»- بانگ بیان- نام دارد و به معنای سرود سپیده است، یعنی سرود یا آوازی که در سپیده دم خوانده می‌شود و شامل ۱۴ قطعه بوده و براساس مقام سحری ساخته و با سازهای کوبه‌ای آقای پژمان حدادی همراه شده است. مجوزهای این آلبوم گرفته شده و در روزهای آینده منتشر خواهد شد. کار دیگر من نوشتن کتابی از شرح حال زندگی و هنرم است. در واقع به این فکر افتادم رجوعی به گذشته خود داشته باشم و خاطراتم را بنویسم. این کتاب روایتی است از دوران کودکی‌ام از آن روزگار که برای اولین بار با ساز تنبور آشنا شدم و استادانی که مرا در این مسیر همراهی کردند و کنسرت‌هایی که در داخل و خارج از ایران برگزار شد و دیگر فعالیت‌هایی که برای من و... و هر آنچه طی ۴۰ سال گذشته انجام داده‌ام. نام این کتاب «تنبوربان» است به معنای خمنگنار تنبور و در

مراحل دریافت مجوز است که امیدوارم مشکلی به‌وجود نیاید. نکته‌ای که درخصوص مجوزها باید بگویم این است که برای مجوز این آلبوم مشکل چندانی پیش نیامد و با مساعدت و همراهی دوستان شاغل در مرکز موسیقی، مجوزها به صورت آنلاین دریافت شد و از آنها تشکر می‌کنم اگر چه بر این باورم هنرمندانی که سال‌ها در عرصه هنر فعالیت کرده‌اند نیازی به دریافت مجوز ندارند، کما اینکه زنده یاد علی مرادخانی در دوران کاری خود اسامی ۱۰۰ نفر از هنرمندان را اعلام کرد که کارهایشان مورد تأیید بوده و برای ادامه فعالیت هایشان نیازی به دریافت مجوز نداشتند. به طور مثال چرا باید بعد از ۵۰ سال کار حرفه‌ای و جدی در زمینه تنبورنوازی و آهنگسازی، آثارم را به کسانی ارائه دهند که هر چند موسیقیدان باشند، اما در زمینه کاری من به اندازه شخص خودم محاسبه نمی‌شوند.

■ از دیدگاه شما آیا نیاز است کارشناسان و ناظران مجوزهای آلبوم از هنرمندان انتخاب شوند؟

ایران سرزمینی پهناور با فرهنگ‌های موسیقایی مختلف است و موزیسینی که وابسته به یک نوع موسیقی خاص باشد نمی‌تواند در تمام ایران به یک مقام محلی یا ملی برسد. به همین دلیل، برای اینکه موسیقی به یک زبان مشترک تبدیل شود، نیاز به یک نهاد ناظر است که بتواند به هنرمندان کمک کند تا بتوانند به یک زبان مشترک با هم صحبت کنند. به همین دلیل، به نظر من، به جای اینکه به هنرمندان بگوییم که باید به یک سبک خاص پایبند باشند، بهتر است به آنها بگوییم که باید به یک زبان مشترک با هم صحبت کنند. به همین دلیل، به نظر من، به جای اینکه به هنرمندان بگوییم که باید به یک سبک خاص پایبند باشند، بهتر است به آنها بگوییم که باید به یک زبان مشترک با هم صحبت کنند.

انتظار دارید در مقابل تهاجم فرهنگی ایستادگی کنید؟ تهاجم فرهنگی را باید با یک فرهنگ قوی‌تر پاسخ داد و کار اهل فرهنگ و هنر است.

■ برگردیم به اثر جدید شما (بانگ به بیان) که قرار است بزودی منتشر شود. اشاره داشتید این کار در مقام سحر خوانی است، آیا این مقام در استان‌ها و شهرهای دیگر متفاوت است؟

تنبور دارای سه نوع مقام است مقام کلام که کهن ترین بخش مقامات تنبوراست و دارای ادوار کهن موسیقایی بوده و قدمت آنها بسیار بیشتر از موسیقی سنتی ایران و حتی بیشتر از موسیقی عبدالقادر مراغه‌ای است. درواقع این مقامات سرمایه ملی کشورمان است که باید از آن حراست شود. مقامات دیگر مجلسی و بعد مقامات مجازی هستند که جبران ناپذیری خواهد داشت. یعنی کوچک شدن فرهنگ یک مملکت، یعنی مردم را در مضیقه قرار دهیم و کارهایی برخلاف فرهنگ مردم که شامل موسیقی، سینما، تئاتر، ادبیات و...است، انجام بگیرد و اینگونه فرهنگ و هنر را کوچک و کوچک‌تر کنند و یقیناً آسیب آن بر همه چیز اثر گذار است از اقتصاد و سیاست تا هویت ملی و...

■ اشاره به کوچک شدن فرهنگ داشتید در این خصوص بویژه در بخش موسیقی چه موضوعاتی ممکن است به هنر موسیقی آسیب بزند و مانع رشد و اعتلای آن باشد؟

موضوعات بسیاری می‌تواند به فرهنگ و هنر ما آسیب برساند که مهم‌ترین آن مسأله اقتصادی است. در یک جامعه، تلاش خانواده‌ها تأمین و فراهم کردن مایحتاج زندگی شان است و چون تمام سعی این گذران امرار معاش بوده از موضوعاتی که با فرهنگ در ارتباط است مانند خواندن کتاب، گوش دادن به موسیقی، رفتن به سینما، تئاتر و... به دور مانده‌اند یا کنار گذاشته شده است و این موضوع موجب می‌شود که به فرهنگ لطمه بسیاری وارد شود. نکته دیگر اینکه برخی از دوستانی که امکانات بیشتری دارند و به چهار تا کشور دنیا سفر کرده‌اند و با آزادی‌های اجتماعی و وضعیت خوب اقتصادی آن کشورها آشنایی دارند بر این باورند فرهنگ و هنر آن کشورها از ما برتر است و این اشخاص سعی شان بر این است که فرزندان شان آشنایی بیشتری با فرهنگ و موسیقی آن کشورها داشته باشند و از فرهنگ خودی غافل می‌مانند.

و اشاعه فرهنگ و هنرمان هزینه و آن را حمایت کند. سال‌ها بسیاری است مسأله تهاجم فرهنگی در مملکت ما مطرح است و نگاه تقریباً درستی است به این دلیل که بیگانگان، غربی‌ها و کسانی که از قدیم حرفه‌شان استعمار و استثمار بوده نمی‌خواهند از منافع خود دست بکشند و می‌دانند بزرگترین حمله و برخورد از طریق فرهنگ و هنر است اما آیا می‌دانید در مقابل این تهاجم چگونه باید دفاع کرد؟ وقتی دست هنرمندان را بدون هیچ وسیله دفاعی خالی می‌گذارند یا گاه دست شان را هم می‌بندند آن زمان چگونه

■ یکی از مشکلاتی که این روزها در عرصه موسیقی شاهد هستیم بازار بی‌رونی آلبوم‌های موسیقی است که البته پیش از کرونا هم شرایط چندان خوبی نداشت. اما این بیماری موجب شد اغلب مردم دنیا رو به فضای مجازی بیاورند و آهنگ‌های مورد علاقه خود را دانلود کنند، هنرمندان هم متقابلاً اکثریت کارهای خود را به‌صورت تک آنفون عرضه کنند. به نظر شما این تغییرات چه تأثیری خواهد داشت؟

تنبور دارای سه نوع مقام است مقام کلام که کهن ترین بخش مقامات تنبوراست و دارای ادوار کهن موسیقایی بوده و قدمت آنها بسیار بیشتر از موسیقی سنتی ایران و حتی بیشتر از موسیقی عبدالقادر مراغه‌ای است. درواقع این مقامات سرمایه ملی کشورمان است که باید از آن حراست شود. مقامات دیگر مجلسی و بعد مقامات مجازی هستند که جبران ناپذیری خواهد داشت. یعنی کوچک شدن فرهنگ یک مملکت، یعنی مردم را در مضیقه قرار دهیم و کارهایی برخلاف فرهنگ مردم که شامل موسیقی، سینما، تئاتر، ادبیات و...است، انجام بگیرد و اینگونه فرهنگ و هنر را کوچک و کوچک‌تر کنند و یقیناً آسیب آن بر همه چیز اثر گذار است از اقتصاد و سیاست تا هویت ملی و...

■ اشاره به کوچک شدن فرهنگ داشتید در این خصوص بویژه در بخش موسیقی چه موضوعاتی ممکن است به هنر موسیقی آسیب بزند و مانع رشد و اعتلای آن باشد؟

موضوعات بسیاری می‌تواند به فرهنگ و هنر ما آسیب برساند که مهم‌ترین آن مسأله اقتصادی است. در یک جامعه، تلاش خانواده‌ها تأمین و فراهم کردن مایحتاج زندگی شان است و چون تمام سعی این گذران امرار معاش بوده از موضوعاتی که با فرهنگ در ارتباط است مانند خواندن کتاب، گوش دادن به موسیقی، رفتن به سینما، تئاتر و... به دور مانده‌اند یا کنار گذاشته شده است و این موضوع موجب می‌شود که به فرهنگ لطمه بسیاری وارد شود. نکته دیگر اینکه برخی از دوستانی که امکانات بیشتری دارند و به چهار تا کشور دنیا سفر کرده‌اند و با آزادی‌های اجتماعی و وضعیت خوب اقتصادی آن کشورها آشنایی دارند بر این باورند فرهنگ و هنر آن کشورها از ما برتر است و این اشخاص سعی شان بر این است که فرزندان شان آشنایی بیشتری با فرهنگ و موسیقی آن کشورها داشته باشند و از فرهنگ خودی غافل می‌مانند.

و اشاعه فرهنگ و هنرمان هزینه و آن را حمایت کند. سال‌ها بسیاری است مسأله تهاجم فرهنگی در مملکت ما مطرح است و نگاه تقریباً درستی است به این دلیل که بیگانگان، غربی‌ها و کسانی که از قدیم حرفه‌شان استعمار و استثمار بوده نمی‌خواهند از منافع خود دست بکشند و می‌دانند بزرگترین حمله و برخورد از طریق فرهنگ و هنر است اما آیا می‌دانید در مقابل این تهاجم چگونه باید دفاع کرد؟ وقتی دست هنرمندان را بدون هیچ وسیله دفاعی خالی می‌گذارند یا گاه دست شان را هم می‌بندند آن زمان چگونه

وجود دارد و این ساز در بین آذری زبانان به نام قوپوز و در دست عاشیق‌ها قرار دارد و این سازهای هم خانواده تنبور در هر منطقه ایران، موسیقی خاص خود را بیان می‌کنند یا باقلامان و دیوان که در دیگر کشورها مورد استفاده است. اما به‌طور کلی موسیقی که از این ساز دمیده می‌شود مهم است مانند مقامات موسیقی که در غرب کشور است و یارسانان نگهدارنده و پاسدار این مقامات بوده‌اند قطعاً این موسیقی که از این ساز برخاسته مستحکم‌تر از دیگر مناطق ایران است، زیرا که این موسیقی در منطقه‌ای بیان شده است که بزرگانی چون باربد و گاهی اوقات که به موضوع دانلود کردن آثار موسیقی و انتشار تک آهنگ‌ها فکر می‌کنم به این نتیجه می‌رسم این اتفاق‌ها هم در جهت نابود کردن پیشینه هنری بخشی از تاریخ موسیقی ایران است و نمی‌دانم مسئولیت این حمایت برعهده کیست و چگونه می‌خواهند آن را حفظ کنند! به‌طور کل دنیای دیگری به‌وجود آمده و در این دنیا تازه کشورهایی مانند

وجود دارد و این ساز در بین آذری زبانان به نام قوپوز و در دست عاشیق‌ها قرار دارد و این سازهای هم خانواده تنبور در هر منطقه ایران، موسیقی خاص خود را بیان می‌کنند یا باقلامان و دیوان که در دیگر کشورها مورد استفاده است. اما به‌طور کلی موسیقی که از این ساز دمیده می‌شود مهم است مانند مقامات موسیقی که در غرب کشور است و یارسانان نگهدارنده و پاسدار این مقامات بوده‌اند قطعاً این موسیقی که از این ساز برخاسته مستحکم‌تر از دیگر مناطق ایران است، زیرا که این موسیقی در منطقه‌ای بیان شده است که بزرگانی چون باربد و گاهی اوقات که به موضوع دانلود کردن آثار موسیقی و انتشار تک آهنگ‌ها فکر می‌کنم به این نتیجه می‌رسم این اتفاق‌ها هم در جهت نابود کردن پیشینه هنری بخشی از تاریخ موسیقی ایران است و نمی‌دانم مسئولیت این حمایت برعهده کیست و چگونه می‌خواهند آن را حفظ کنند! به‌طور کل دنیای دیگری به‌وجود آمده و در این دنیا تازه کشورهایی مانند

■ مقاماتی از گذشته باقی مانده که باید احیا و شنیده شود و به مخاطبان معرفی گردد؟

حدود ۲۰ سال قبل این مقامات را منتشر کردم و ابتدا در خانه فرهنگ‌های جهان در پاریس منتشر گردید و دو سه سال بعد به‌صورت یک پک در قالب ۴ سی دی در ایران منتشر شد و بعد آن

انتشار دو سی دی آموزشی به‌نام مقامات مجلسی تنبور و همچنین انتشار کتاب «صد درس» که شیوه آموزش تنبور است و بسیار خوشحالم کمک بسیاری برای علاقه‌مندان این ساز بوده و نتیجه و موفقیت آن را امروز با هنرنمایی زیبای نسل جوان در جشنواره‌های مختلف موسیقی می‌بینم مانند موسیقی جوان. جشنواره‌ای که توانسته اعتبار خوبی در کشورمان کسب کند.

به‌طور قطع تنبور یک ساز شرقی است و حدود ۵ تا ۷ هزار سال پیشینه تاریخی دارد. این ساز در هر منطقه روایتگر حال و فرهنگ مردم آن منطقه است. به‌طور مثال در شمال و جنوب خراسان به‌نام دوتار است و در ترکمن صحرا و علی‌آباد کنول گرگان و در تالش گیلان هم دوتار



عکس: النجین موسیقی ایران

این روایت‌ها را نوشتم؛ از آن روزگار که کودک بودم و از خانواده و آشنایی‌ام با ساز تنبور... گذرا از این دوران برابم عجیب بود و درمیانه‌های راه منقلب می‌شدم و با خود اشک می‌ریختم و می‌اندیشیدم چه عزیزانی که امروز دیگر در بین ما نیستند.

■ بخشی از این خاطرات که قرار است چاپ شود اشاره دارد به علاقه‌مندی و گرایش شما به موسیقی؛ با بازگشت به گذشته خود فکر می‌کنید چه کارهایی می‌توانستید برای موسیقی انجام بدهید که به هر دلیل شکل نگرفت و چه اشتباهاتی سر زده که جبران ناپذیر بوده؟

ببست سالم بود که ازدواج کردم و پیش از ۳۰ سالگی صاحب چهار فرزند شدم و در همان دوران جوانی درگیر زندگی بودم. حرفه‌ام دبیری آموزش و پرورش بود و زندگی‌ام از این طریق می‌گذشت اما با وجود این همه مشکلات از همان زمان تا به امروز حدود ۳۰ اثر موسیقی جمع‌آوری و منتشر کرده‌ام و در کنار آن برگزاری تعداد بیشماری کنسرت در ایران و خارج از ایران و تا آنجا که در توانم بود تلاش کردم مقامات موسیقی تنبور را به دنیا معرفی کنم و هیچ‌گاه از انتخابم خسته و دل‌آزرده نشدم و البته در کنار دبیری و تدریس همراه پدرم به کار کشاورزی مشغول بودم و امروز که به کارنامه زندگی‌ام نگاه می‌کنم اگر کاری باقی مانده باشد که انجام نگرفته خود را مقصر نمی‌دانم چرا که شرایط آن روزگار اینگونه بود و تا به امروز هر قدمی که در جهت خدمت به فرهنگ و هنر کشورم برداشته‌ام لطف خدا بوده که من را به این راه رهنمون کرده است و بدون هیچ حس خودستایی، خدا را بابت موقعیتی که امروز در آن قرار گرفته‌ام شاکرم به این دلیل می‌گویم که نه پدر میلیاردری داشتم و نه از امکانات طبقات مرفه جامعه برخوردار بودم. من در یک روستا متولد شدم و سال‌ها زندگی کردم و با تلاش خانواده توانستیم زندگی‌مان را بگذرانیم البته این آخر خط نیست و راه همچنان ادامه دارد. اما جالب است بدانید انجام هر کاری که من از آن تنبور و موسیقی به دور کنم به احساس گناه می‌دهد حتی اگر یک کار عادی باشد. اما احتمالاً اگر کاری باقی مانده باشد که قرار است من انجام دهم حتماً انجام خواهم داد.

■ در این کتاب از علاقه‌مندی خود به تنبور اشاره کردید کمی در این باره توضیح دهید؟

حدوداً ۴ سال سن داشتم، به یاد دارم یک روز پاییزی در روستای پدری‌ام بود، قرار بود به اتفاق خانواده به دیدن اقوام مادرم برویم که در زمان بازگشت به خانه باران شدیدی آمد و ما مشین ما نتوانستیم از سربلایی‌های جاده عبور کند و مجبور شدیم به روستای دیگری برویم منزل یک آقا به‌نام علی میر درویشی که نوازنده تنبور بود. پدرم همان شب یکی از سازهایش را برای خود خرید اما موفق نشد بخواهی یاد بگیرد و بر همین اساس پدر بزرگم مشوق من در نواختن تنبور شد... و اما شاید اگر آن روز آن باران نمی‌بارید شاید هرگز تنبور به دست من نمی‌رسید و مسیر دیگری را انتخاب می‌کردم. بعد از آن روز مدت زمانی چند مقام تنبور را از آقای درویشی آموختم و بعد دیگر استادان و به خود آمدم که باید این کار را انجام بدهم و اولویت زندگی‌ام قرار گرفت و باید اعتراف کنم شاید این تصمیم من و ادامه این مسیر باعث شد به خانواده‌ام آن طور که وظیفه ایجاد می‌کرد نتوانستم رسیدگی کنم. من خود را سرباز این ساز می‌دانم و امروز نزدیک به ۵۷ سال می‌گذرد و شاگردان بسیاری را آموزش داده‌ام حتی در خارج از ایران کشورهایی چون انگلیس، فرانسه، کانادا، ژاپن، امریکا جنوبی و... و جالب است بدانید ساز تنبور بواسطه استادانی که در این عرصه کار کرده‌اند از جمله خود من توانسته جایگاه خود را در دنیای تثبیت کند و شناخته شود.

■ باتوجه به نام این کتاب «تنبوربان» که حافظ این ساز بوده اید و از آن صیانت کردید از دیدگاه شما نسل آینده چقدر متعهد به نگاه داشتن درست این ساز هستند؟

به‌طور یقین این امیدواری وجود دارد. در زمان ما تعداد تنبورنوازان بسیار اندک بود اما امروز می‌بینیم که تعداد بیشماری به آموختن این ساز روی آورده‌اند البته ممکن است در بعضی مواقع دچار خطا شوند اما سازی که ۷ هزار سال ماندگار شده قطعاً از بین نخواهد رفت. باید با مهربانی و سعه صدر با جوانان برخورد کرد تا در مسیر درست قرار بگیرند، باید به آنها اجازه و فرصت آزمون و خطا داد تا تجربه کنند.

■ برنامه آینده شما چیست؟

این شاء الله اگر فرصتی باقی باشد به روال عادی کار برگردیم و برگزاری کنسرت و کلاس‌های آموزشی و درواقع هر آنچه حس موسیقی دوستی ما را ارضا کند انجام می‌دهم و این همان دلیل زنده ماندن ما است.